

Examination and Analysis of Hadiths Attributing the Rising Prices of Goods to God

Samaneh Ramezanzadeh¹

Mohsen Rafat²

Hamidreza Sarvarian³

(Received on: 2023-12-12; Accepted on: 2024-05-21)

Abstract

The high cost of goods is a phenomenon that has always caused suffering for the masses. Some of the hadith reports in the Shiite tradition attribute the rising prices of goods solely to God as the cause. These hadiths, in one sense, suggest a form of determinism, while on the other hand, they appear to be inconsistent with reality. This article seeks to examine the sources of these hadiths and also to analyze their implications. The present study, employing a descriptive-analytical approach and library-based methodology, concludes that these reports are not flawed in terms of their chain of transmission, but they can be subject to different interpretations in terms of their content. Among these interpretations are: that the pricing of goods is often determined by God; that since not only human existence, but all human power and ability, comes from God, any increase in prices caused by humans is, in a way, also attributed to God; or that considering the historical and geographical context in which the hadiths were issued, these reports were a prohibition against officials setting prices under normal circumstances. Therefore, these hadiths do not aim to deny other causes or contradict economic principles and rules. Instead, they highlight both the ontological and legislative roles of God in the rise in prices, demonstrating the influence of divine decree in this regard.

Keywords: price, expensiveness, cheapness, hoarding.

1. MA student, Quran and Hadith Sciences, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran. Email: ramezanzadehs01@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran. corresponding author). Email: mohsenrafaat@hmu.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran. Email: sarvarianhr@yahoo.com

بررسی و تحلیل روایات انتساب گرانی کالاهای به خداوند

سمانه رمضانزاده^۱

محسن رفعت^۲

حمیدرضا سروریان^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱]

چکیده

گرانی کالاهای همواره پدیده‌ای است که توده مردم از آن رنج می‌برند. دسته‌ای از گزارش‌های حدیثی موجود در تراث امامیه، خداوند را تنها سبب گرانی کالا معرفی می‌کند. این نقل‌ها از جهتی بیانگر جبر و از سوی دیگر ظاهراً خلاف واقع می‌نماید. نوشتار حاضر می‌کوشد ضمن بررسی منابع روایات، دلالت آنها را نیز مورد مذاقه قرار دهد. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌ای بدین نتیجه رسیده است که این اخبار به لحاظ سندی قابل خدشه نبوده و از منظر محتوایی تفسیرهای متفاوتی دارند؛ از جمله اینکه قیمت‌گذاری اجناس، غالباً توسط خداوند صورت می‌گیرد؛ یا از آنجاکه نه تنها هستی انسان، بلکه تمام قدرت و توانایی او از خداوند است، بنابراین اگر گرانی کالا از سوی انسان نیز باشد، گویا از جانب خداوند است؛ یا توجه به شرایط زمانی و مکانی صدور روایات نشان می‌دهد، این نقل‌ها حاکمان را در شرایط عادی از تسعیر نهی کرده است. در نتیجه، این روایات در صدد نفی دیگر اسباب و مخالفت با اصول و قواعد اقتصادی نیستند؛ بلکه بیانگر نقش تکوینی و تشریعی خداوند در گرانی قیمت‌ها و اثبات اثربخشی مقدرات الهی در این زمینه‌اند.

کلیدواژه‌ها: سعر، غلاء و رخص، احتکار

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران ramezanzadehs01@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران (نویسنده مسئول) mohsenrafaat@hmu.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران h.sarvarian@hmu.ac.ir

۱. مقدمه

گرانی کالاها موجب ناآرامی‌های روحی و جسمی در ساحت فردی و اجتماعی می‌شود و بر موارد متعددی مانند سرمایه‌گذاری، اشتغال، میزان تولید و... اثرگذار می‌گذارد. در این میان احادیثی وجود دارد که تنها خداوند را قیمت‌گذار و عامل گرانی کالا معرفی می‌کند؛ بنابراین پذیرش این روایات سبب نسبت دادن تمام این موارد به خداوند خواهد شد. نقش اساسی و غیر قابل انکار انسان‌ها در تعیین قیمت و مخالفت با اصول و قواعد اقتصادی، خلاف واقع بودن این دسته از احادیث را می‌نمایاند؛ از طرفی هم کثرت نقل این روایات در کتب معتبر حدیثی امامیه، موجب اعتماد به مضمون این روایات می‌شود؛ اما چگونه ممکن است معصومان علیهم‌السلام اثرگذاری انسان به عنوان بدیهی‌ترین عامل تعیین‌کننده قیمت کالا را به صراحت نفی کنند؟ از این رو بررسی دقیق تبار و اعتبار این روایات ضروری است. پرسش اساسی تحقیق حاضر این است که روایات انتساب گرانی کالاها به خداوند از نظر سندی و دلالی چه جایگاهی دارند.

پیرامون پیشینه این مسئله تحقیقات مرتبط و خوبی صورت گرفته است که به آنها اشاره می‌شود: الف) مقاله «دگرگونی قیمت‌ها در عصر تشریع»، نوشته احمدعلی یوسفی (یوسفی، ۱۳۷۹: ص ۱۵۳-۲۱۴) که بر پایه ارائه گزارش‌های روایی و تاریخی از منابع امامیه و عامه، درصدد اثبات نوسانات قیمت در عصر معصومان علیهم‌السلام است.

ب) مقاله «رفتار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام در برابر نوسان قیمت‌ها»، نوشته احمدعلی یوسفی (یوسفی، ۱۳۸۵: ص ۳۹-۶۹) که با اشاره به جریان پولی صدر اسلام، نوسان قیمت‌ها را اثبات کرده و با رویکرد اجتهادی، مسئله قیمت‌گذاری از سوی دولت را تبیین می‌کند.

مقاله‌هایی که به بررسی مسائل مختلف مربوط به احتکار می‌پردازند، عبارتند از:

الف) مقاله «بررسی حقوقی احتکار و نرخ‌گذاری»، نوشته سیدمحمد محمود گلپایگانی (گلپایگانی، ۱۳۸۴: ص ۲۳۳-۲۵۶) که به بازبینی احکام حقوقی احتکار و نرخ‌گذاری پرداخته و آرا

و نظرات فقیهان رانیز بیان کرده و به این نتیجه رسیده است، در مواردی که حقوق مالک با حقوق اجتماعی تعارض پیدا می‌کند، حقوق جامعه ترجیح دارد و حاکم در صورت وجود شرایط لازم به منظور ایجاد عدالت اقتصادی باید نرخ‌گذاری کند.

ب) مقاله «قیمت‌گذاری از دیدگاه فقه و اقتصاد»، نوشته سیدرضا حسینی (حسینی، ۱۳۸۴: ص ۲۵۵-۲۸۶) که با رویکرد میان‌رشته‌ای در دو حوزه فقه و اقتصاد، قیمت‌گذاری دولت بر اجناس و خدمات را بررسی کرده و آن را حتی در شرایط احتکار و انحصار مردود می‌داند. در هیچ‌یک از تحقیقات پیش‌گفته، واکاوی سندی و کنکاش دلالی روایات گرانی توسط خداوند با رویکرد کلامی مستقلاً تبیین و بررسی نشده است؛ لذا در نوشتار حاضر علاوه بر بررسی دقیق اسناد روایات مرتبط، دلالت‌های آنها نیز مورد ارزیابی علمی قرار می‌گیرد تا مشخص شود مقصود معصومان علیهم‌السلام و همچنین دیدگاه عالمان درباره گرانی کالا توسط خداوند چیست.

۲. روایات گرانی کالا از جانب خداوند

این احادیث با اسناد و مضامین متفاوت در مجامع روایی امامیه موجود است که به بررسی و تحلیل آنها پرداخته می‌شود.

۲-۱. فرشتگان اسباب گرانی کالا از طرف خداوند

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَشْلَمَ عَنْ مَنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَّلَ بِالسَّعْرِ مَلَكًا فَلَنْ يَغْلُوَ مِنْ قَلَّةٍ وَلَا يَزْخَصَ مِنْ كَثْرَةٍ؛ امام صادق عليه السلام می‌فرماید: همانا خداوند فرشته‌ای را مأمور قیمت‌ها کرده است؛ بنابراین نه به خاطر اندک بودن کالا گران می‌شود و نه به خاطر فراوانی ارزان می‌گردد» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۱۶۲).

بررسی و تحلیل

جهت فهم صحیح محتوای حدیث مذکور، ابتدا لازم است واژه‌های «وَكَلَّ» و «سِعَر» از نگاه واژه‌شناسان بررسی شود. «وَكَلَّ» به معنای تفویض کردن امری به دیگری است (فراهیدی، ۱۴۰۸: ج ۵، ص ۴۰۵؛ راغب، ۱۴۱۶: ص ۸۸۲). سِعَر در لغت به معنای قیمت کالا (فراهیدی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۳۲۹؛ زبیدی، ۱۳۸۵: ج ۶، ص ۵۲۱) و در اصطلاح، اندازه و میزان عوضی است که جنس در برابر آن فروخته می‌شود برای تعیین ارزانی یا گرانی کالا و باید قیمت مرسوم آن در شرایط مشابه را در نظر گرفت (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷: ص ۲۰۸؛ حلی، ۱۴۳۰: ص ۴۶۴).

۱. در سلسله سند این روایت، راویان قابل اعتماد و موثقی دیده می‌شود (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۱۸۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۴۵۰)؛ البته در خصوص «سهل بن زیاد الآدمی الرازی» (خوئی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۳۶۷) بین علمای علم رجال اختلاف نظر وجود دارد؛ عده‌ای او را ضعیف می‌دانند؛ چراکه احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را از قم بیرون کرده و به غلو و کذب وی شهادت داده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۱۸۵؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰: ص ۶۶؛ ابن داود، ۱۳۴۲: ص ۴۶۰)؛ همچنین فضل بن شاذان از وی راضی نبوده و وی را احمق خوانده است (کشی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۸۳۷). شیخ طوسی در الفهرست، سهل را ضعیف دانسته (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۲۲۸)؛ اما در رجال، وی را توثیق کرده است (طوسی، ۱۴۲۷: ص ۳۸۷). برخی از متأخران و معاصران وثاقت وی را پذیرفته‌اند (محمدتقی مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۱۴، ص ۲۶۲؛ مجلسی، ۱۴۲۰: ص ۹۱؛ نوری، ۱۴۰۸: ج ۲۶، ص ۶۱) و برخی دیگر، سهل را تضعیف کرده‌اند (نراقی، ۱۴۲۲: ص ۱۸۸؛ حلی، ۱۴۰۲: ص ۲۲۸؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۳۶۰؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ج ۵، ص ۳۶۰؛ خوئی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۳۵۶). لازم به ذکر است با وجود اینکه وی از سوی متقدمان تضعیف شده است؛ اما به نظر می‌رسد دلایل قابل تأملی برای وثاقت وی وجود دارد (مهدوی، ۱۳۹۱: ص ۱۳۳-۱۵۰).

سند روایت فوق به دلیل ارسال و ضعف برخی دیگر از روایات (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۶۸) از حیث سندی ضعیف تلقی می شود (مجلسی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۱۵۲). البته ذکر این نکته ضروری است که صدوق روایت حاضر را با اندک اختلافی به صورت تعلیق بر مشیخه نقل کرده (صدوق، ۱۳۶۳: ج ۳، ص ۲۶۸؛ صدوق، ۱۳۶۳: ج ۴، ص ۴۴۴) که از نظر سندی صحیح است (مجلسی، ۱۳۶۴: ج ۷، ص ۲۵۷)؛ از این رو ضعف سند روایت کلینی جبران شده و در مجموع مقبول واقع می شود.

۲. تمامی افعال عالم، مستند به خداوند است، چراکه علتِ علتِ چیزی، علت آن است که به آن توحید افعالی گویند. صدور فعل از جانب خدا، گاه با اسباب و واسطه هایی صورت می گیرد، یکی از این اسباب، کارگزاران مجرّد مدبری هستند که قرآن آنها را ملائکه می نامد. مفسران اتفاق نظر دارند بر اینکه خداوند در آیه ۵ نازعات (فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا) فرشتگان را تدبیرکنندگان امور هستی معرفی می کند (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۹، ص ۲۲۹؛ طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۲۰، ص ۱۸۰؛ سیوطی، بی تا: ج ۶، ص ۳۱۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ج ۳۱، ص ۲۹). در حدیث مذکور نیز خداوند فرشته ای را برای تعیین قیمت ها گمارده که واسطه فعل الهی است. پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که وقتی فاعلیت مطلق الهی تمام امور عالم را در بر می گیرد، چرا خداوند برخی افعال خود را با وساطت انجام می دهد. برای پاسخ به این پرسش باید گفت، افعال خداوند در دو عالم محقق می شود: ۱- عالم امر (عالم ماورای طبیعت): در این عالم تحقق افعال الهی به صرف اراده خداوند محقق می شود و مشروط به دخالت چیزی نیست. ۲- عالم خلق (عالم طبیعت): این عالم به دلیل حضور ماده و اشیای مادی با عالم امر کاملاً متفاوت است و افعال الهی بر اساس نظام ویژه حاکم بر این عالم صورت می گیرد و آن، فراهم آمدن مقدمات خاصی برای آماده سازی عالم مادی برای پذیرش فعل الهی است و دخالتی در فاعلیت خداوند ندارد. در واقع فاعلیت فاعل (خداوند) تام است؛ اما قابلیت قابل منوط بر تحقق شرایط خاص است (طباطبایی، ۱۴۱۹: ص ۱۶۳-۱۶۵)؛ بنابراین گاهی فعل الهی از طریق وسائط انجام می شود.

۳. در حالت طبیعی، وفور کالا موجب ارزانی و کمی کالا موجب گرانی خواهد شد؛ اما این روایت بیان می‌کند، کثرت کالا موجب ارزانی نمی‌شود و گرانی نیز معلول کمبود کالا نیست. در این باره باید گفت همیشه بین زیادی کالا و ارزانی یا بالعکس تلازم نیست، بلکه رابطه آنها عموم و خصوص من وجه است (شیرازی، ۱۴۲۵: ص ۱۸۲)؛ چراکه گاهی قیمت کالا با وجود کمبود آن ارزان است، مانند زمانی که جنسی نادر، اما بی کیفیت باشد یا زمانی که محصول فراوان است، اما هزینه انتقال آن از محل تولید به مراکز مصرف زیاد است، در نتیجه قیمت کالا نیز گران می‌شود؛ از این رو باید روایت را بدین گونه معنا کرد که گرانی و ارزانی کالا، دائماً معلول کمبود و فراوانی نیست؛ بلکه گاهی این چرخه تغییر یافته و عوامل دیگری موجب ارزانی یا گرانی می‌شوند.

۲-۲. بررسی عبارت «إِنْ غَلَا فَهُوَ عَلَيْهِ وَإِنْ رَخَّصَ فَهُوَ عَلَيْهِ» و ارتباط آن با گرانی توسط خداوند
«عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْقَصِيرِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: ذَكَرَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) غَلَاءُ السَّعْرِ فَقَالَ وَمَا عَلَيَّ مِنْ غَلَائِهِ إِنْ غَلَا فَهُوَ عَلَيْهِ وَإِنْ رَخَّصَ فَهُوَ عَلَيْهِ؛ أَبُو حَمَزَةَ گوید: نزد علی بن حسین (ع) سخن از گرانی قیمت‌ها رفت. حضرت فرمود: اگر گران شود روزی با اوست و اگر ارزان گردد نیز با اوست» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۸۱).

بررسی و تحلیل

۱. این روایت از حیث سند به دلیل ارسال، ضعیف است (مجلسی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۲۸)؛ اما از آنجا که آن را صدوق در التوحید با سند معتبر نقل کرده (صدوق، ۱۴۱۶: ص ۳۸۹؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ج ۷، ص ۲۵۶)، اشکالی در اعتبار روایت فوق نیست.
۲. در عبارت فوق دو ضمیر بارز (هو) و دو ضمیر (ه) وجود دارد که برای درک معنای صحیح روایت ابتدا باید تمام احتمالات پیرامون مرجع آنها را بیان کرد.

به نظر می‌رسد دو احتمال برای مرجع ضمیر (فهو) وجود دارد: ۱- گرانی و ارزانی: اگر مرجع اولین ضمیر (هو)، گرانی و دومین آن، ارزانی باشد، معنای روایت این‌گونه می‌شود که اگر گران شود، پس گرانی بر عهده اوست و اگر ارزان شود، پس ارزانی بر عهده اوست. ۲- رزق و روزی: اگر مرجع ضمیر (هو) بر طبق آیات قرآن مانند: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا؛ وَهِيَ جُنْبُنْده‌ای در زمین نیست، جز اینکه روزی‌اش بر خداست» (هود: ۶)، رزق و روزی باشد، معنای روایت حاضر بدین صورت خواهد بود که اگر گران یا ارزان شود، روزی همه با اوست.

همچنین دو احتمال برای مرجع ضمیر (ه) در (علیه) وجود دارد: ۱- خداوند: در این صورت مفهوم روایت این‌گونه است که گرانی و ارزانی هر دو بر عهده خداست (مجلسی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۲۷؛ مجلسی، ۱۳۶۴: ج ۱۰، ص ۲۵۱). ۲- حکومت: بدین معنا که اگر قیمت کالا کم یا زیاد شود بر عهده حکومت و حاکمان است (مازندرانی، ۱۴۰۰).

باتوجه به احتمالات بیان‌شده در مورد مرجع ضمایر موجود، به‌طور کلی چهار معنا برای این روایت قابل تصور است:

۱. گرانی و ارزانی بر عهده خداوند است.

۲. گرانی و ارزانی بر عهده حکومت است.

۳. رزق و روزی بر عهده خداوند است.

۴. رزق و روزی بر عهده حکومت است.

در بین احتمالات فوق، احتمال چهارم به‌طور قطع مردود است؛ چراکه به شرک منتهی شده و معصوم حتی از باب تقیه نیز چنین معنایی را اراده نخواهد کرد. احتمال سوم نیز اگرچه اراده آن توسط امام سجاد علیه السلام ممکن است؛ اما نامرتب با مسئله پژوهش حاضر است؛ زیرا در این صورت حدیث مذکور در مقام بیان رزاق بودن خداوند است که در هر شرایطی باید روزی را از او طلبید. روایت یادشده بر طبق احتمال اول و دوم بی‌تردید مرتبط با بحث حاضر است؛ زیرا بنابر فرض اول، در راستای روایات انحصار قیمت‌گذاری توسط خداوند است و خداوند راتنها عامل گرانی

و ارزانی قیمت‌های داند و بر طبق احتمال دوم، معارض با آن روایات است؛ چه آنکه حکومت را مسئول گرانی و ارزانی قیمت‌های داند و نقش تام خداوند در نرخ‌بندی رانفی می‌کند؛ اما با توجه به اینکه محدثان امامیه، حدیث فوق را در «باب الأسعار» ذکر کرده‌اند به احتمال قوی مرجع ضمیر (هو)، ارزانی و گرانی و مرجع ضمیر (ه) خداوند خواهد بود.

۲-۳. ارزانی و گرانی نمود رضا و غضب الهی

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْغَفَارِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: عَلَامَةُ رِضَا اللَّهِ تَعَالَى فِي خَلْقِهِ عَدْلُ سُلْطَانِهِمْ وَرُخْصُ أَشْعَارِهِمْ وَعَلَامَةُ غَضَبِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ جَوْرُ سُلْطَانِهِمْ وَغَلَاءُ أَشْعَارِهِمْ؛ پیامبر خدا ﷺ فرمود: نشانه خشنودی خداوند در مخلوقاتش، عدالت و دادگری پادشاهشان و ارزان بودن قیمت‌هایشان است و علامت خشم خدای تبارک و تعالی بر مخلوقاتش، ستمگری پادشاهشان و گرانی قیمت‌هایشان است» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۱۶۲؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۷، ص ۱۵۸).

بررسی و تحلیل

۱. حدیث مذکور از نظر سندی، به دلیل ضعف «عبدالله بن ابراهیم غفاری» (ابن غضائری، ۱۳۸۰: ص ۷۵؛ حلی، ۱۴۰۲: ص ۲۳۸؛ ابن داود، ۱۳۴۲: ص ۴۶۶) و نامعلوم بودن حال «قاسم بن اسحاق» در معاجم رجالی نامعتبر است (خوئی، ۱۳۷۲: ج ۱۵، ص ۱۲)؛ اما باید توجه داشت، احادیث فراوانی وجود دارد که مضمون روایت فوق را تأیید می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۳۱۷؛ کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۳۷۴؛ کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۱۶۴؛ صدوق، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۵۲۴؛ صدوق، ۱۳۷۶: ص ۵۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷، ص ۳۵۰)؛ بنابراین با توجه به کثرت نقل، این روایات در مجموع پذیرفته می‌شود.

۲. در لایه آیات قرآن کریم، موجبات خشنودی و خشم خداوند بیان شده است. از مجموع این آیات به دست می‌آید، زمانی که نفس انسان از تمامی مراتب کفر و نیز از اتصاف به فسق پاک باشد، به خشنودی الهی نایل می‌آید (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۶، ص ۲۵۲) و بالعکس، زمانی که انسان به فسق و مخالفت با خدا بپردازد، گرفتار خشم او می‌شود. رضا و غضب الهی در زندگی دنیوی و اخروی انسان نمود دارد که قرآن کریم آنها را نیز بازگو می‌کند. به طور کلی رضای الهی، موجب ثواب و پاداش نیک (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۸، ص ۲۸۴) و غضب الهی، موجب برچیده شدن دامنه رحمت و دریغ داشتن لطف از کسانی است که مرتکب اعمال زشتی شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۸، ص ۵۳). بنابراین رضا و غضب خداوند از تبعات افعال خود مردم است و جلوه رضای الهی به صورت ثواب‌هایی مثل عدالت پادشاهان و ارزانی کالاها نمایان می‌شود و خشم الهی به صورت عقاب‌هایی مثل ستمگری پادشاهان و گرانی کالاها نمایان می‌شود.

۲-۴. گرانی از نشانه‌های پیش از قیام حضرت قائم عجّل الله تعالی فرجه الشریف

« حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحِمَيْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِائِبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ قُدَامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عِلَامَاتٌ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ: وَمَا هِيَ؟ قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَنْبَلْوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ. قَالَ: لَنْبَلْوَنَّكُمْ يَغْنِي الْمُؤْمِنِينَ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ مِنْ مُلْكٍ بَنِي فَلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ وَالْجُوعِ بِغَلَاءِ أَسْعَارِهِمْ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ فَسَادِ التِّجَارَاتِ وَقِلَّةِ الْفَضْلِ فِيهَا وَالْأَنْفُسِ قَالَ: مَوْتُ ذُرْبِ الثَّمَرَاتِ قِلَّةُ رُبُعٍ مَا يُزْرَعُ وَقِلَّةُ بَرَكََةِ الثَّمَارِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ. ثُمَّ قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ مُحَمَّدٌ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ إمام صادق عليه السلام

روایت کرده که آن حضرت فرمود: پیش از قیام قائم نشانه‌هایی خواهد بود، آزمایش از جانب خدای تعالی برای بندگان با ایمان. عرض کردم: آن آزمایش چیست؟ فرمود: همان فرمایش خدای عزوجل

است که می فرماید: وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ. حضرت فرمود: حتماً شما را خواهیم آزمود؛ یعنی مؤمنان را «به چیزی از ترس» از پادشاهان فلان خاندان در اواخر سلطنتشان، «و گرسنگی» با گرانی نرخ هایشان، «و کاستی در مال ها» یعنی خراب شدن بازرگانی و کم شدن رشد و سود در آن، «و جان ها» یعنی مرگ زود هنگام، «و میوه ها» یعنی کم بودن باروری آنچه کاشته می شود و کم بودن برکت میوه ها، «و برداران را بشارت ده» یعنی به هنگام قیام حضرت قائم. سپس حضرت فرمود: ای محمد، این مطالب تأویل این آیه است و خداوند عزوجل می فرماید: وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، با آنکه تأویلش را جز خدا و پدیداران در دانش نمی داند» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۰).

بررسی و تحلیل

۱. از نظر سندی باید گفت محمد بن ابراهیم جعفر، معروف به ابن زینب (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۸۳) یا ابن ابی زینب (نوری، ۱۴۰۸: ج ۲۱، ص ۲۶۵) از شاگردان کلینی و در عداد محدثان عصر غیبت صغرا (امین، ۱۴۰۳: ج ۹، ص ۶۰) و از مشایخ عالی قدر حدیث شیعه است (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۸۳). مشهورترین اثر او کتاب الغیبة است که به وسیله افراد مشخص و موثق روایت شده و به دست ما رسیده است. این کتاب در میان عالمان امامیه رایج بوده است و فی الجمله به روایات آن اعتماد و ترتیب اثر داده اند (نادری، ۱۳۹۱: ص ۱۷۵-۱۸۵). حدیث فوق علاوه بر وثاقت و صحت انتساب کتاب به مؤلف، تمامی روایان آن نیز ثقه اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۲۳، ۱۲۰، ۲۱۹، ۳۷۹).

۲. احادیث نشانه های ظهور از پرتعدادترین روایات مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در تبیین این گزارش ها طبقه بندی های متعددی، صورت گرفته است که یکی از انواع آن، تقسیم به لحاظ اختیار انسان یا عدم آن در شکل گیری علائم ظهور است. حوادثی که اراده و اختیار انسان در ایجاد آن اثر ندارد و از علم غیب بر می خیزد، نشانه های غیبی ظهور نام دارد که برخی

از آنها حتمی الوقوع و متصل به زمان ظهورند؛ مانند ظهور سفیانی و یمانی، قتل نفس زکیه و ندای آسمانی (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۲، ۳۰۰؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۵۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۷۹، ۲۸۴؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۵۷) و به حوادثی که فعل و اراده انسان در آن دخیل بوده و نتیجه سنت های تاریخی است، علائم سنتی ظهور گویند. این علائم قابل پیش بینی بوده و به دلیل دخالت انسان غیر حتمی و قابل تقدم و تأخر و تغییر است؛ کمی اموال، اندک شدن سودها از جمله این نشانه ها است (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۴۵۷؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: علیانسب، ۱۳۹۸: ص ۵۰). در حدیثی که ذکر آن نیز گذشت امام صادق علیه السلام نشانه های پیش از ظهور را بیان می کند که گرانی قیمت ها از جمله آنهاست و آزمایشی برای بندگان مؤمن است. این نشانه ها جزء علائم سنتی ظهور و نتیجه سنت الهی است و فعل و اراده انسان در آن مؤثر بوده و حتمی الوقوع نیستند.

۲-۵. بررسی روایت استنکاف پیامبر صلی الله علیه و آله از قیمت گذاری و نسبت دادن این امر به خداوند

«مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: رُفِعَ الْحَدِيثُ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ مَرَّ بِالْمُحْتَكَرِينَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ بُطُونُ الْأَسْوَاقِ وَحَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَوْ قَوَّمتَ عَلَيْهِمْ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ: أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّيْعَرُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَيَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله بر محتکران گذشت و فرمود: انبارهای آنها را به محل فروش انتقال دهند که مقابل دیده مردم باشد و بدان بنگرند، به حضرت عرض شد: کاش قیمتی بر آن می گذاشتی. حضرت در خشم شد بدان سان که اثر آن در رخسارش نمودار گشت و با تعجب فرمود: آیا من تعیین کنم؟! شک نیست که قیمت ها در اختیار خداوند عزیز است. او قیمت ها را بالا می برد، هرگاه که بخواهد و نازل می کند، هر وقت که بخواهد» (طوسی، ۱۳۶۳: ج ۳، ص ۱۱۵؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۷، ص ۱۶۱).

بررسی و تحلیل

۱. حدیث فوق به دلیل ضعف وهب قرشی (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۴۳) از لحاظ سند، فاقد اعتبار است؛ البته صدوق حدیث فوق را با سندی متفاوت و نیز زیاده در متن آورده است (صدوق، ۱۴۱۶: ص ۳۸۸) که تمامی راویان آن ثقه‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۱۶، ۲۶۰، ۳۰۵)؛ بنابراین این روایت به لحاظ سندی در مجموع معتبر است.

۲. احتکار و وظیفه حاکم: در صورت بروز احتکار، حاکم مجاز است محتکر را بر فروش جنس احتکار شده ملزم کند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۱۹۵؛ طوسی، ۱۴۰۰: ص ۳۷۵؛ مفید، ۱۴۱۰: ص ۶۱۶؛ خوئی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۵۰۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۵۳۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ج ۳، ص ۶۰۳)؛ اما در مورد تعیین قیمت آن توسط حاکم اختلاف نظر وجود دارد. رأی مشهور، حرمت نرخ‌گذاری بر اجناس احتکار شده است (خوئی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۵۰۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۵۳۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ج ۳، ص ۶۰۳)؛ البته اگر احتکارکننده در قیمت کالا، زیاده روی کند، حاکم موظف است از کار او جلوگیری کرده و خود نرخ تعیین کند (خوئی، ۱۴۱۷: ج ۵، ص ۵۰۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۵۳۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ج ۳، ص ۶۰۳)؛ در حدیث فوق نیز پیامبر ﷺ این گونه رفتار کردند و دستور به فروش جنس احتکار شده دادند؛ اما قیمت تعیین نکرده‌اند. به عبارت دیگر عدم تعیین قیمت بر اساس نظام سبب و مسبب است؛ یعنی تجار و خریداران بر اساس رعایت اصل انصاف و عدالت، قیمت را تعیین کنند و خداوند آن را اراده کرده است که مردم اراده کنند؛ زیرا سنت الهی در اقتصاد و سایر مؤلفه‌های اجتماعی بر اساس اختیار انسان است. اگر مردم بر اساس عدالت رفتار کنند، نتیجه آن تعیین قیمت عادلانه است.

۳. گرانی و ارزانی معلول اراده الهی: متکلمان در این باره آرای مختلفی بیان کرده‌اند. به باور اشاعره گرانی تنها در اختیار خداوند است «لَا مَسْعَر إِلَّا اللَّهُ»؛ چراکه معتقدند هر چه در عالم هستی پدید آید، از جمله افعال انسان با اراده مستقیم حق تعالی انجام می‌گیرد (رازی، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۱۴۵؛ رازی، ۱۴۱۴: ص ۱۶۱). بر اساس دیدگاه معتزله در صورتی که گرانی و قیمت‌گذاری توسط

خداوند انجام شود به او نسبت داده شده و اگر توسط انسان‌ها صورت گیرد، به آنها نسبت داده می‌شود. حاکمان نیز می‌توانند برای متعادل‌سازی قیمت‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده ظالمان و آسیب به فقرا، قیمت‌ها را تعیین کنند. به باور آنها اگر کسی این مسئولیت را انکار کند، دیگر فضایی برای امر به معروف و نصیحت در دین باقی نمی‌ماند؛ البته اگر قیمت‌گذاری به منظور منافع شخصی انجام شود، باید با آن مقابله کرد و نمی‌توان آن را به خداوند نسبت داد؛ زیرا در این صورت، هر گناهی می‌تواند به خداوند نسبت داده شود، درحالی‌که خداوند از گناهان نهی کرده و برای آنها عذابی وعده داده است (عبدالجبار، ۱۹۶۵: ج ۱۱، ص ۵۶-۵۸). طبق نظر متکلمان شیعه که نظراتی مشابه معتزله دارند، تغییرات قیمت‌ها به عاملی که آنها را به وجود آورده است، نسبت داده می‌شود. اگر خداوند علت تغییرات قیمتی باشد، این تغییرات به او منتسب می‌شوند و اگر انسان‌ها عامل این تغییرات باشند، به آنها نسبت داده می‌شود. در صورتی‌که خداوند موجب تغییر قیمت‌ها باشد، این به دلیل مصلحت یا لطف اوست و باید در برابر آن صبر پیشه کرد و جبران آن بر خداوند واجب است؛ اما اگر انسان‌ها باعث این تغییرات باشند، آنها ممکن است مورد ستایش یا سرزنش قرار گیرند و جبران آن بر عهده خودشان است (مجلسی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۱۵۳؛ شبّر، ۱۴۱۸: ص ۵۴۸). با توجه به این مطالب این پرسش مطرح می‌شود که چگونه خداوند و انسان در نرخ‌گذاری و گرانی کالا مؤثرند. روایات بیان‌کننده انحصار گرانی کالا در اختیار خداوند، به سه صورت قابل توجیه‌اند:

الف) استفاده از روش استقراء برای احصای عوامل گرانی و بررسی نقش خداوند: در این باره باید گفت که به‌طور کلی عوامل بسیاری در تعیین گرانی کالا اثر بخش است که می‌توان از باب نمونه به موارد زیر اشاره کرد:

- میزان درخواست مصرف‌کننده و احتیاج او به جنس خاص
- میزان عرضه کالا در بازار از حیث وفور و نایابی
- الزام مردم به فروش کالا با بهای گران و یا ارزان از سوی حاکم

- کیفیت کالا و مقبولیت آن نزد مردم
- بستن راه توسط ستمگران و غارتگران (تحریم)
- شرایط جوی، مانند گرانتر بودن مواد سوختنی در فصل سرما و وسائط سردکننده در فصل گرما
- شرایط مکانی، مانند اثر بخشی اماکن با اهمیت و مراکز تجمع مردم در افزایش نرخ‌ها
- هزینه انتقال محصول از محل تولید به مراکز مصرف
- پدید آمدن واکنش‌های روانی مردم از اطمینان و امید به آینده تا تشویش و نگرانی در اثر شرایط اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اکثر عوامل یادشده در افزایش قیمت که بر اساس روش استقراء ناقص احصا شده است، از اختیار انسان خارج بوده و حوادث خارجی و طبیعی در آن دخیل‌اند و بروز این‌گونه عوامل همواره به دست خداوند است و از قدرت و اراده او سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین بیشتر اسباب قیمت‌گذاری و گرانی به دست خداوند صورت می‌گیرد (مجلسی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۱۵۳؛ جزایری، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۳۶۸؛ شبّر، ۱۴۱۸: ص ۵۴۸؛ منتظری، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۶۵؛ گلپایگانی، ۱۳۸۴: ص ۲۵۲) و در این نوع از روایات، سبب غالب نرخ‌گذاری بیان شده است؛ به این معنا که نافی نقش دیگر اسباب نیست؛ بلکه علت غالب نرخ‌گذاری و گرانی لحاظ شده است و حصری که از این روایات استفاده می‌شود، حصر اضافی است.

ب) عدم منافات نسبت هم‌زمان گرانی کالا به خدا و انسان
از آنجا که خداوند به انسان اراده و اختیار داده است، اگر گرانی کالاها از طرف بندگان باشد، باز هم می‌توان خداوند را تعیین‌کننده آن دانست (مجلسی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۱۵۳؛ جزایری، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۳۶۸؛ شبّر، ۱۴۱۸: ص ۵۴۸). توضیح مطلب آن است که انسان به‌طور فطری، قدرت اختیار خود را درک می‌کند؛ اما اختیار او مطلق و تام نیست؛ زیرا اختیار انسان یکی از اجزای سلسله‌العلل است که اسباب و عوامل خارجی در محقق‌شدن آن مؤثر است و در فعل اختیاری او دخیل‌اند و خدای سبحان در رأس این اسباب قرار دارد. بنابراین باید فعل انسان را هم به خداوند و هم

به انسان نسبت داد و قائل به دو نوع فاعل قریب (مباشر) و بعید شد که فاعل قریب، انسان و فاعل بعید، خداوند است. این دو فاعل در طول یکدیگرند و تزامنی با هم ندارند و مانع الجمع نیستند و هیچ فعلی به طور مستقل و در عرض اراده خداوند محقق نمی‌شود. به طور کلی خداوند که هستی بخش انسان است، صدور فعل اختیاری انسان را بدون واسطه، اراده نکرده است، این نظریه را در اصطلاح امر بین الأمرین می‌نامند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۶، ص ۶۷؛ طباطبایی، بی تا: ۸۷-۹۳؛ خرازی، ۱۳۷۳: ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۶؛ سبحانی، ۱۳۸۲: ص ۳۶-۴۰). تصریح قرآن بر فاعلیت مطلقه الهی در عین انتساب فعل به انسان، شاهی گویا بر درستی این نظریه است. تعداد و تنوع آیات به اندازه‌ای است که تردیدی در این باره بر جای نمی‌گذارد؛ به عنوان مثال آیه ۹۶ سوره صفات (وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ)، عملی را که انسان انجام می‌دهد، در عین انتساب آن به وی (تعملون) مخلوق خدا می‌داند. همچنین در آیه ۱۷ سوره انفال (وَمَا رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللّٰهَ رَمٰی) که در عین اثبات رمی برای انسان (اِذْ رَمَيْتَ) به نفی آن می‌پردازد (وَمَا رَمَيْتَ) و فعل واحد را به دو فاعل منتسب می‌کند (سعیدی مهر و صادقی، ۱۳۹۸: ص ۴)؛ در نتیجه می‌توان گفت به همین علت است که روایات مذکور، نرخ بندی و گرانی کالا را به طور مطلق به خداوند منتسب می‌دانند.

(ج) توجه به مقام صدور روایات و شرایط زمانی و مکانی در تفسیر روایات

این روایات در مقام بیان نهی حاکم از تسعیر (قیمت گذاری) در شرایط عادی و روابط عالادنه اقتصادی است (مجلسی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۱۵۳؛ جزایری، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۳۶۸؛ شبّر، ۱۴۱۸: ص ۵۴۸)؛ به بیان دیگر این احادیث نرخ متعارف کالا را از جانب خداوند می‌داند، نه آن نرخ بندی و گرانی که از روی تجاوز و تعدی بر اساس انحصار تجاری و اقتصادی در جامعه از سوی افراد سودجو ایجاد می‌شود؛ چراکه مردم در آن زمان از پیامبر ﷺ خواستند که ایشان در سیر طبیعی قیمت‌ها دخالت کند و برخلاف متعارف، آن را پایین بیاورد که آن حضرت از این برخورد آنان ناراحت شدند و قیمت طبیعی کالا را به جریان عرضه و تقاضا و قوانین طبیعی ویژه‌ای که بر آن حکم فرماست واگذار کردند (منتظری، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۶۴). بی شک انسان‌ها نیز در نرخ گذاری

و گرانی کالا اثرگذارند و این مهم در روایات متعدد باب احتکار به وضوح دیده می شود؛ به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّمَا يُغْلَوُ إِذَا اشْتَرَى الْوَاحِدُ مِنَ النَّاسِ جَمِيعَ مَا يَدْخُلُ الْمَدِينَةَ» (صدوق، ۱۴۱۶: ص ۳۸۸). این کلام بیان می کند در صورت خرید و احتکار تمام مواد غذایی از طرف یک شخص، کالا گران می شود؛ در نتیجه نوسان قیمت ها می تواند معلول عملکرد انسان نیز باشد که امری واضح و غیرقابل انکار است (صدوق، ۱۴۱۶: ص ۳۸۹؛ مجلسی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۱۵۳؛ شبّر، ۱۴۱۸: ص ۵۴۸). به عبارت دیگر سعر بر دو نوع طبیعی و مجحف (غیرمنطقی) قابل تقسیم است. سعر طبیعی در اثر ایجاد شرایطی که به دست خداوند ایجاد می شود، واقع می گردد؛ مانند خشکسالی که موجب گرانی می شود (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۱۶۵) و رضایت به آن و تسلیم شدن در برابر آن لازم است؛ اما سبب ایجاد سعر مجحف، از طرف انسان پدید می آید؛ مانند تبانی بر قیمت معین، ایجاد بازار سیاه و احتکار (شیرازی، ۱۴۲۵: ص ۱۸۲) که امری مذموم است و مرتکب آن مورد لعن معصومان علیهم السلام قرار گرفته است (نهج البلاغه: نامه ۴۳۸؛ صدوق، ۱۴۱۶: ص ۳۸۹؛ صدوق، ۱۳۶۳: ج ۳، ص ۲۶۶)

نتیجه گیری

روایات گرانی کالا از جانب خداوند، در مجموع به لحاظ سندی معتبرند؛ زیرا با توجه به اعتبار برخی از روایات و مضمون مشترک و تعدّد نقل که از قرائن وثوق به صدور است، ضعف سند سایر روایات جبران خواهد شد و در نتیجه روایات فوق در مجموع قابل پذیرش هستند. مضمون این دسته از روایات بیان می کند که بیشتر اسباب تعیین کننده قیمت و گرانی کالاها توسط حق تعالی به وجود می آید؛ به این معنا که عوامل دیگر نیز دخیلند؛ اما اثرگذاری خداوند بیشتر از دیگر اسباب است و از آنجا که هستی انسان و قدرت او از خداوند است، اگر گرانی و ارزانی از سوی انسان هم باشد به خداوند بازمی گردد؛ بنابراین انتساب گرانی و ارزانی هم زمان به خداوند و انسان منافاتی با هم ندارد. توجه به مقام صدور و شرایط زمانی و مکانی روشن می سازد

که این روایات، حاکم را در وضعیت معمول بازار از تسعیر نهی کرده و در چنین شرایطی، سعر طبیعی مورد خواست خداوند است؛ به بیان دیگر این احادیث بازگوکننده نقش خداوند در قیمت طبیعی اجناس است، نه غیرمنطقی.

از روایات چنین استنباط می‌شود که گرانی توسط خداوند، نمایانگر دو چیز است: الف) غضب الهی که از تبعات اعمال مردم است و به صورت‌های مختلف از جمله عدم بارش علنی می‌شود.

ب) آزمایش الهی که از جمله نشانه‌های پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشرف گرانی کالا، کمی اموال و اندک شدن سودها برای امتحان مؤمنان است. در این علائم فعل و اراده انسان دخیل بوده و از نشانه‌های غیر حتمی و قابل تغییر است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن داود، تقي الدين حسن بن علي حلي (۱۳۴۲)، الرجال، تهران: دانشگاه تهران.

ابن غضائری، احمد بن حسين (۱۳۸۰)، الرجال، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمة في معرفة الأئمة، تبریز: بنی هاشمی.

امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۳)، تحرير الوسيلة، قم: مؤسسة دار الحديث العلمية والثقافية.

امام خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۱)، کتاب البيع، تهران: المؤسسة العروج.

امین، محسن (۱۴۰۳)، أعيان الشيعة، بیروت: دار التعارف.

جزائری، سید نعمت الله (۱۴۱۷)، نور البراهین، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

حسینی، سیدرضا (۱۳۸۴)، «قیمت‌گذاری از دیدگاه فقه و اقتصاد»، جستارهای اقتصادی، ش ۴،

- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲)، الرجال، قم: الشریف الرضی.
- _____ (۱۴۳۰)، کشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- خرازی، سید محسن (۱۳۷۳)، بداية المعارف الالهية في شرح العقائد الامامية، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۲)، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة. بی جا: بی نا.
- _____ (۱۴۱۷)، مصباح الفقاهة، قم: انصاریان.
- رازی، فخرالدین (۱۴۱۴ق)، القضاء والقدر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۲۰)، التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دار القلم.
- زیبیدی، محمد مرتضی الحسینی (۱۳۸۵)، تاج العروس، بیروت: دار الهدایة.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۲)، الإنسان بین الجبر والتفویض، قم: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام.
- سعیدی مهر، محمد؛ صادقی علویجه، احمد (۱۳۹۸)، «چالش تبیین های کلامی در مشکله توحید افعالی خداوند و فعل اختیاری انسان»، نشریه علمی اندیشه نوین دینی، ش ۵۷، ص ۷-۱۸.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا)، الدر المنثور في التفسیر المأثور، بیروت: دار المعرفة.
- شبر، سید عبدالله (۱۴۱۸)، حق الیقین في معرفة أصول الدین، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۰)، قاموس الرجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- شیرازی، سید محمد (۱۴۲۵)، المال أخذاً وعطاءً وصرفاً، بیروت: دار العلوم.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳)، من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- _____ (۱۳۷۶)، الأمالی، تهران: کتابچی.
- _____ (۱۳۹۵)، کمال الدین وتمام النعمة، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- _____ (۱۴۱۶)، التوحید، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، المیزان في تفسیر القرآن، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۴۱۹)، الرسائل التوحیدية، بیروت: مؤسسة النعمان.
- _____ (بی تا)، حاشیة الکفایة، بی جا: بی نا.

- طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- _____ (۱۴۱۷)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم: آل البيت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- _____ (۱۳۶۵)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- _____ (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: مكتبة المرتضوية.
- _____ (۱۴۰۰)، النهاية فی مجرد الفقه والفتاوی، بیروت: دار الکتب العربی.
- _____ (۱۴۲۰)، الفهرست، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
- _____ (۱۴۲۷)، رجال الطوسي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- علیانسب، سیدضیاءالدین (۱۳۹۸)، بررسی تطبیقی نشانه‌های قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات فریقین، تهران: معارف.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۸)، کتاب العین، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- قاضی عبدالجبار، ابن احمد (۱۹۶۵م)، المغنی فی أبواب التوحید والعدل، قاهره: الدار المصریة.
- کشی، ابو عمرو محمد بن عمر (۱۴۰۴)، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- گلپایگانی، سید محمد محمود (۱۳۸۴)، «بررسی حقوقی احتکار و نرخ‌گذاری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۸، ص ۲۳۳-۲۵۶.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۴)، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: مكتبة آية الله المرعشي العامة.
- _____ (۱۳۸۹)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- _____ (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- _____ (۱۴۲۰)، الوجیزة فی الرجال، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶)، روضة المتقین فی من لا یحضره الفقیه، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰)، المقنعة، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۴)، دراسات فی ولاية الفقیه وفقه الدولة الاسلامیة، قم: دار الفكر.

مهدوی، حسن (۱۳۹۱)، سهل بن زیاد در آئینه علم رجال، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
نادری، مرتضی (۱۳۹۱)، «اعتبار و تداول کتاب الغیبة نعمانی»، مطالعات قرآن و حدیث سفینه،
ش ۳۷، ص ۱۷۵-۱۸۷.

نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
نراقی، ابوالقاسم بن محمد (۱۴۲۲)، شعب المقال في درجات الرجال، قم: کنگره بزرگداشت محققان
ملا مهدی و ملا احمد نراقی.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۷)، تجرید الاعتقاد، تهران: مکتب الإعلام الإسلامی.
نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷)، الغیبة، تهران: نشر صدوق.
نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
یوسفی، احمد علی (۱۳۷۹)، «دگرگونی قیمت ها در عصر تشریع»، کاوشی نو در فقه اسلامی، ش ۲۵ و
۲۶، ص ۱۵۳-۲۱۴.

_____ (۱۳۸۵)، «فتار پیامبر (ص) و امامان (ع) در برابر نوسان قیمت ها»، اقتصاد اسلامی، ش ۲۴، ص ۳۹-۶۹.
سیفی مازندرانی، علی اکبر، مفسد اقتصاد، ۱۴۰۰/۱۰/۰۸، <https://www.eshia.ir/Feqh>

References

The Noble Quran.

Nahj al-Balagha.

Amīn, Muḥsin. 1403 SH. *A 'yān al-Shī'ah*. Beirut: Dār al-Ta'āruḥ.

Arbalī, 'Alī ibn 'Īsā. 1381 AH. *Kashf al-ghummat fī ma'rīfat al-a'imma*. Tabriz: Bani Hāshimī.

Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad al-. 1408 Sh. *Kitāb al-'Ayn*. Beirut: Mu'assasat al-'Ālamī.

Golpayegani, Seyed Mohammad Mahmoud. 1384 Sh. "A legal study of hoarding and pricing."
Journal of the College of Law and Political Science (University of Tehran), no. 68: 233-256.

Ḥillī, al-Ḥasn b. Yūsuf al-. 1402 AH. Qom: al-Sharīf al-Raḍī.

Ḥillī, al-Ḥasn b. Yūsuf al-. 1430 AH. *Kashf al-murād fī sharḥ tajrīd al-i'tiqād*. Qom: Islamic
Publishing Institute.

- Hosseini, Seyed Reza. 1384 Sh. "Pricing from the perspective of jurisprudence and economics." *Justārḥāyī iqtisādī*, no. 4: 255-286.
- Ibn Dāwūd, Taqī al-Dīn Ḥasan ibn 'Alī Hillī. 1342 AH. *Al-Rijāl*. Tehran: University of Tehran.
- Ibn Ghazā'irī, Aḥmad ibn Ḥusayn. 1380 SH. *Al-Rijāl*. Qom: Dār al-Ḥadīth Scientific and Cultural Institute.
- Imam Khomeini, Sayyid Ruhollah. 1393 AH. *Tahrīr al-wasīla*. Qom: Mu'assasa Dār al-Ḥadīth al-'Ilmiyya wa-l-Thiqāfiyya.
- Imam Khomeini, Sayyid Ruhollah. 1421 SH. *Kitāb al-bay'*. Tehran: Uruj Institute.
- Jazā'irī, Sayyid Ni'matullāh. 1417 SH. *Nūr al-Barāhīn*. Qom: Dār al-Nashr al-Islāmī.
- Kashshī, Abū 'Amr Muḥammad ibn 'Umar al-. 1404 SH. *Ikhtiyār Ma'rifat al-Rijāl*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt.
- Kharrazi, Seyed Mohsen. 1373 Sh. *Bidāyat al-ma'ārif al-ilāhiyya fī sharḥ al-'aqā'id al-Imāmiyya*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim. 1372 Sh. *Mu'jam rijāl al-ḥadīth wa-tafṣīl ṭabaqāt al-ruwāt*. N.p.
- Khoei, Sayyid Abu al-Qasim. 1417 AH. *Miṣbāḥ al-fiqāha*. Qom: Ansarian.
- Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb al-. 1363 Sh. *Al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Mahdavi, Hassan. 1391 Sh. *Sahl ibn Ziyād dar āyīnih-yi 'ilm-i rijāl*. Qom: Markaz-i Fiqhī-yi A'imma-yi Aṭḥār.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1364 Sh. *Malādh al-Akhyār fī Fahm Tahdhīb al-Akḥbār*. Qom: Maktabat Āyat Allāh al-Mar'ashī al-'Āmmah.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1389 Sh. *Mir'āt al-'Uqūl fī Sharḥ Akḥbār Āl al-Rasūl*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1403 Sh. *Biḥār al-Anwār*. Beirut: Dār Ih'yā' al-Turāth al-'Arabī.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1420 Sh. *Al-Wajīzah fī al-Rijāl*. Tehran: Wizārat al-Thaqāfah wa al-Irshād al-Islāmī.
- Majlisī, Muḥammad Taqī al-. 1406 Sh. *Rawḍat al-Muttaqīn fī Man Lā Yaḥḍuruhu al-Faqīh*. Qom: Bunyād al-Thaqāfah al-Islāmī Kūshānpūr.
- Montazeri, Hossein-Ali. 1374 Sh. *Dirāsāt fī wilāyat al-faqīh wa-fiqh al-dawlat al-Islāmiyya*. Qom: Dār al-Fikr.
- Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad ibn Nu'mān al-. 1410 Sh. *Al-Muqni'ah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.

- Naderi, Morteza. 1391 Sh. "The validity and wide circulation of al-Nu'mān's book al-Ghayba." *Muṭāli'āt-i Qur'ān va ḥadīth-i saḥīh*, no. 37: 175-187.
- Najāshī, Aḥmad ibn 'Alī al-. 1365 Sh. *Rijāl al-Najāshī*. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Naṣīr al-Dīn Ṭūsī, Muḥammad ibn Muḥammad. 1407 Sh. *Tajrīd al-I'tiqād*. Tehran: Maktab al-Ilm al-Islāmī.
- Nawāqī, Abū al-Qāsim ibn Muḥammad al-. 1422 Sh. *Shu'ab al-Maqāl fī Darajāt al-Rijāl*. Qom: Conference for Honoring the Scholars Mallā Mahdī and Mallā Aḥmad Nawāqī.
- Nu'mānī, Muḥammad ibn Ibrāhīm al-. 1397 Sh. *Al-Ghayba*. Tehran: Nashr Ṣadūq.
- Nūrī, Ḥusayn ibn Muḥammad Taqī al-. 1408 Sh. *Mustadrak al-Wasā'il*. Beirut: Mu'assasat Āl al-Bayt.
- Olyanasab, Seyed Ziaoddin. 1398 Sh. *A comparative study of the signs of Imam al-Mahdī's uprising in both Shiite and Sunni hadiths*. Tehran: Maaref.
- Qāḍī 'Abd al-Jabbār, Ibn Aḥmad al-. 1965. *Al-Mughnī fī Abwāb al-Tawḥīd wa al-'Adl*. Cairo: Al-Dār al-Miṣrīya.
- Rāghib al-Isfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad al-. 1416 Sh. *Mufradāt Alfāz al-Qur'ān*. Damascus: Dār al-Qalam.
- Rāzī, Fakhr al-Dīn al-. 1414 AH. *Al-Qadā' wa al-qadar*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Rāzī, Fakhr al-Dīn al-. 1420 Sh. *Al-Tafsīr al-Kabīr; Mafātīḥ al-Ghayb*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī al-. 1363 Sh. *Man Lā Yaḥḍuruḥu al-Faqīh*. Qom: Dār al-Nashr al-Islāmī.
- Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī al-. 1376 Sh. *Al-Amālī*. Tehran: Kitābchī.
- Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī al-. 1395 Sh. *Kāmāl al-Dīn wa Tammām al-Ni'mah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī al-. 1416 Sh. *Al-Tawḥīd*. Qom: Dār al-Nashr al-Islāmī.
- Saeedi Mehr, Mohammad and Ahmad Sadeghi Alavijeh. 1398 Sh. "The challenge of theological explanations of the problem of God's oneness in actions and human free actions." *Andīshih-yi nuvīn-i dīnī*, no. 57: 7-18.
- Seif Mazandarani, Ali Akbar. 2022. "Mufsid-i iqtisādī." Retrieved from <https://www.eshia.ir/Feqh/>.
- Shīrāzī, Sayyid Muḥammad. 1425 Sh. *Al-Māl Akhdhan wa 'Atā'an wa Ṣarfan*. Beirut: Dār al-'Ulūm.

- Shubbar, Sayyid ‘Abd Allāh al-. 1418 Sh. *Ḥaqq al-Yaqīn fī Ma’rifat Uṣūl al-Dīn*. Beirut: Mu’assasat al-‘Ālamī.
- Shūshtarī, Muḥammad Taqī. 1410 Sh. *Qāmūs al-Rijāl*. Qom: Dār al-Nashr al-Islāmī.
- Sobhani, Jafar. 1382 Sh. *Al-Insān bayn al-Jabr wa al-Tafwīd*. Qom: Imam Sadiq Institute.
- Suyūfī, Jalāl al-Dīn al-. n.d. *Al-Durr al-Manthūr fī al-Taḥsīn al-Ma’thūr*. Beirut: Dār al-Ma’rifah.
- Ṭabarasī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1412 Sh. *Majma‘ al-Bayān fī Taḥsīn al-Qur’ān*. Beirut: Dār al-Ma’rifah.
- Ṭabarasī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1417 Sh. *I’lām al-Warā’ bi-A’lām al-Hudā*. Qom: Āl al-Bayt.
- Ṭabāṭabā’ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn al-. n.d. *Hāshiyat al-Kifāyah*. n.p.: n.p.
- Ṭabāṭabā’ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1363 Sh. *Al-Mīzān fī Taḥsīn al-Qur’ān*. Tehran: Amīr Kabīr.
- Ṭabāṭabā’ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1419 Sh. *Al-Rasā’il al-Tawḥīdīyah*. Beirut: Mu’assasat al-Na’mān.
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1363 Sh. *Al-Istibṣār fīmā Ikhtalafa min al-Akhbār*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1365 Sh. *Tahdhīb al-Aḥkām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1387 Sh. *Al-Mabsūt fī Fiqh al-Imāmīyah*. Tehran: Maktabat al-Murtaḍawīyah.
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1400 Sh. *Al-Nihāya fī Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatāwā*. Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1420 Sh. *Al-Fahrist*. Qom: Maktabat al-Muḥaqqiq al-Ṭabāṭabā’ī.
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan al-. 1427 Sh. *Rijāl al-Ṭūsī*. Qom: Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī.
- Yousefi, Ahmad Ali. 1379 Sh. “Change of prices during the time of Islamic legislation.” *Kāvushī naw dar fiqh-i Islāmī*, no. 25-26: 153-214.
- Yousefi, Ahmad Ali. 1385 Sh. “The responses of the Prophet and the Imams to price fluctuations.” *Iqtisād-i Islāmī*, no. 24: 39-69.
- Zubaydī, Muḥammad Murtadā al-Ḥusaynī. 1385 Sh. *Tāj al-‘Arūs*. Beirut: Dār al-Hidāyah.